مروري نقادانه بر دو اثر پژوهشي دانشگاهي در غرب درباره مهدويت

دکتر سيد محمد تقي آيت اللهي

مقاله حاضر دو اثر علمي دانشگاهي در غرب را كه درباره مهدويت نوشته شده مرور كرده و نقادي مي كند. اين دو اثر را يكي از اساتيد مسلمان شيعه بنام دكتر عبدالعزيز عبدالحسين ساشدينا تحقيق كرده است. اثر اول كه برخاسته از پايان نامه دوره دكتري اوست، ‌مطالعه‌اي جامع درباره عقيده مهدويت به عنوان منجي اسلا‌م است كه راهنمايي ارزشمند براي طلا‌ب علوم ديني و اسلا‌مي و دانشجويان تاريخ و سياست به شمار مي‌آيد و اين اعتقاد كليدي و تكامل آئين آن را در منابع اصيل اماميه بررسي مي نمايد.

اثر دوم، به بررسي جايگاه رهبري عادل در تشيّع در دوران غيبت كبراي آن حضرت مي‌پردازد و نظريه سياسي اجتماعي شيعه را در اين دوران موشكافانه تبيين نموده و آن را در چارچوب ولا‌يت مطلقه فقيه ارائه مي‌دهد و سير تاريخي موضوع را از آغاز غيبت تا عصر حاضر با توجه به آراء فقهاي معاصر و در پرتو تشكيل نظام سياسي ايران در پي انقلا‌ب اسلا‌مي معاينه مي‌نمايد. در اين مقاله هر دو اثر مورد نقادي قرار گرفته و زمينه را براي ترجمه كامل آن دو فراهم آورده است.

‌تا حدود سه‌ دهه‌ پيش‌ بيش‌تر پژوهش‌ها دربارهِ‌ تشيع‌ در جوامع‌ غربي‌ و به‌ دست‌ پژوهشگران‌ مسيحي‌ و يهودي‌ انجام‌ مي‌گرفت‌ و كرسي‌هاي‌ درسي‌ دانشگاهي‌ دربارهِ‌ اين‌ موضوع، نيز در اين‌ جوامع‌ در اختيار دانشمندان‌ و استادان‌ آن‌ها بود. يافته‌هاي‌ اين‌ گونه‌ پژوهش‌ها نيز از روش‌هاي‌ مكانيسم‌ تاريخي‌ استفاده‌ مي‌كرد و محتواي‌ آن‌ها هم‌ اساساً بر منابع‌ دست‌ دوم‌ تكيه‌ داشت.

در سال‌هاي‌ (1981 و 1988) دو اثر پژوهشي‌ در غرب‌ منتشر شد كه‌ نويسندهِ‌ هر دو، از مسلمانان‌ شيعه‌ و مقيم‌ غرب‌ است. وي‌ دكتر عبدالعزيز عبدالحسين‌ ساشدينا، نام‌ دارد كه‌ در سال‌ (1942 ميلادي) متولد شده‌ و اصالتاً از شيعيان‌ اثني‌ عشري‌ آفريقاست. او تحصيلات‌ دورهِ‌ كارشناسي‌ خود را در ايران‌ گذرانده، دورهِ‌ دكتراي‌ مطالعات‌ مذهبي‌ را در دانشگاه‌ تورنتوي‌ كانادا سپري‌ كرده‌ و در سال‌ 1976 از پايان‌ نامهِ‌ خود كه‌ دربارهِ‌ مهدويت‌ مي‌باشد، دفاع‌ كرده‌ است2. وي‌ به‌ زبان‌هاي‌ فارسي، عربي‌ و انگليسي‌ آشنايي‌ كامل‌ دارد و سير پژوهش‌ خود را در اين‌ زمينه‌ ادامه‌ داده‌ و نخستين‌ اثر خود را به‌ صورت‌ كتابي‌ بر پايهِ‌ تحقيقات‌ دورهِ‌ دكتري‌ خود، منتشر كرده‌ است3 (كه‌ در اين‌ نقد از آن‌ به‌ عنوان‌ <اثر اول> ياد مي‌شود). او پس‌ از آن، طرح‌ پژوهشي‌ ديگري‌ را آغاز مي‌كند و چندين‌ دورهِ‌ فرصت‌ مطالعاتي‌ را در ايران، عراق‌ و اردن‌ مي‌گذراند كه‌ نتيجهِ‌ آن‌ به‌ صورت‌ كتاب‌ ديگري‌ منتشر مي‌شود.4 (در اين‌ نقد آن‌ را <اثر دوم> مي‌ناميم.) او مقدمه‌ اين‌ اثر را با اين‌ فراز از دعاي‌ افتتاح‌ پايان‌ مي‌برد: <اللهم‌ انا نرغب‌ اليك‌ في‌ دوله‌ كريمه‌ تعزبها‌ الاسلام‌ و اهله‌ و تذل‌ بها النفاق‌ و اهله‌ و تجعلنا فيها من‌ الدعاه‌ الي‌ طاعته‌ والقاده‌ الي‌ سبيله‌ و ترزقنا بها‌ كرامه‌ الدنيا والاخره>.

وي‌ اثر اول‌ را به‌ فاطمه، همسرش‌ و اثر دوم‌ را به‌ ساحت‌ مقدس‌ حضرت‌ ولي‌ عصر(عج) (السلطان‌ العادل‌ المنتظر) تقديم‌ مي‌كند و از دو پسرش‌ علي‌رضا و محمدرضا كه‌ او را در اين‌ پژوهش‌ همراهي‌ كرده‌اند، سپاسگزاري‌ مي‌نمايد.

اثر نخست‌ با نام‌ <منجي‌ اسلامي: اعتقاد به‌ امام‌ مهدي(عج) در تشيع‌ اثني‌ عشري> در قطع‌ وزيري‌ و در 230 صفحه، با قلم‌ نسبتاً ريز منتشر شده‌ و از يك‌ پيش‌گفتار، شش‌ فصل، يك‌ ضميمه، يك‌ نمودار و يادداشت‌ها، كتابنامه‌ و فهرست‌ اعلام‌ تشكيل‌ شده‌ است.

فصل‌هاي‌ كتاب‌ به‌ شرح‌ زير طرح‌ ريزي‌ شده‌ است:

فصل‌ اول: مقدمه: مهدي‌ (عج)، منجي‌ اسلامي؛

فصل‌ دوم: قائم‌ المهدي، امام‌ منجي‌ دوازدهم؛

فصل‌ سوم: غيبت‌ امام‌ دوازدهم؛

فصل‌ چهارم: امامت‌ امام‌ غايب؛

فصل‌ پنجم: رجعت‌ امام‌ مهدي(عج)؛

فصل‌ ششم: نتيجه‌گيري؛

ضميمه: ويژگي‌هاي‌ امام‌ و نظام‌ امامت‌ مستند به‌ كتاب‌ الحجه‌ علامه‌ كليني؛

فرهنگ‌ اصطلاحات.

نمودار: سلسله‌ امامت‌ در تشيع‌ اثني‌ عشري‌ و تشيع‌ اسماعيلي.

يادداشت‌ها

اختصارات‌ و كتاب‌نامه‌ انتخابي‌

نويسنده‌ در پيش‌گفتار اين‌ اثر مي‌نويسد:

<دانشمندان‌ متأخر غربي، در موضوع‌ مهدويت، تقريباً چيزي‌ ننوشته‌اند و همين‌ امر انگيزهِ‌ انجام‌ اين‌ پژوهش‌ و نگارش‌ اين‌ اثر علمي‌ شد؛ طي‌ پژوهش‌ پايان‌ نامهِ‌ دوره‌ دكتري‌ام، ضرورت‌ بررسي‌ متون‌ غني‌ و گسترده‌ در اين‌ موضوع‌ را احساس‌ كردم، يافته‌هاي‌ خود را بر علماي‌ ديني‌ عرضه‌ داشتم‌ و با آنها مباحثه‌ كردم، بي‌آن‌كه‌ توجه‌ دقيق‌ به‌ مباني‌ علمي‌ جديد را ناديده‌ انگارم. امري‌ كه‌ مرا به‌ وصول‌ به‌ اين‌ هدف‌ آماده‌ كرد همكاري‌ گسترده‌ و بي‌دريغ‌ استادها، دانشمندان، دوستان‌ و همكاراني‌ بود كه‌ در تورنتو، مشهد مقدس‌ و نجف‌ اشرف‌ داشتم.>

اين‌ اثر براي‌ درك‌ تحولات‌ معاصر ايران، كه‌ با پيروزي‌ انقلاب‌ اسلامي‌ به‌ تشكيل‌ نظام‌ جمهوري‌ اسلامي‌ انجاميد، نيز تحولاتي‌ كه‌ در ديگر نواحي‌ جهان‌ اسلام‌ كه‌ شيعه‌ از نيروي‌ اجتماعي‌ و سياسي‌ برخوردارست، اهميت‌ زيادي‌ دارد. به‌ طور كلي‌ احاديث‌ اسلامي‌ دربارهِ‌ ظهور مهدي(عج)، رهبر نجات‌بخش‌ و هدايتگر الهي‌ كه‌ از نسل‌ پيامبر بزرگ‌ اسلام(ص) است، سخن‌ گفته‌اند. در تشيع‌ اعتقاد به‌ مهدي(عج) ستوني‌ است‌ كه‌ تمام‌ بناي‌ روحاني‌ و باطني‌ دين‌ بر آن‌ استوار است. در اين‌ اثر، ساشدينا با اين‌ هدف‌ كه‌ عقيدهِ‌ مهدويت‌ جنبه‌ محوري‌ و كليدي‌ دارد، موضوع‌ را با روش‌ علمي‌ در منابع‌ اصلي‌ اماميه‌ بررسي‌ و تكامل‌ آييني‌ اين‌ ايده‌ را موشكافانه‌ مطالعه‌ مي‌كند. او مفهوم‌ منجي‌ در مذاهب‌ يهودي‌ و مسيحي‌ را با يكديگر مقايسه‌ كرده‌ و با مفهوم‌ شيعي‌ آن‌ مطالعه‌اي‌ تطبيقي‌ انجام‌ مي‌دهد. سپس‌ رابطهِ‌ بسط‌ يافتهِ‌ آن‌ را بين‌ مسلمانان‌ شيعي‌ و نظام‌هاي‌ سياسي‌ مقايسه‌ مي‌كند. منابع‌ اصلي‌ وي‌ در بسط‌ نظريه‌هاي‌ آئيني‌ مهدويت، بر پايهِ‌ آثار دانشمندان‌ صدر اول‌ اماميه، كه‌ تا زمان‌ غيبت‌ امام(ع) فاصله‌ چنداني‌ نداشته‌ و انديشه‌هاي‌ خود را در زماني‌ گسترش‌ داده‌اند كه‌ در جهان‌ اسلام‌ در اقليت‌ محض‌ بوده‌اند، بنا شده‌ است.

اين‌ اثر با روش‌شناسي‌ مطالعهِ‌ تاريخ‌ اعتقاد به‌ مهدويت‌ - و نه‌ خود اعتقاد به‌ مهدويت، موضوع‌ را مورد مطالعه‌ علمي‌ قرار داده‌ است. به‌ همين‌ دليل: خواننده‌ معتقد و مؤ‌من‌ بايد به‌ اين‌ نكته‌ توجه‌ داشته‌ باشد كه‌ نگرش‌ نويسنده‌ به‌ موضوع‌ به‌ عنوان‌ يك‌ پژوهشگر مطرح‌ است‌ نه‌ به‌ عنوان‌ يك‌ معتقد و با شيوه‌ تعقل‌ تاريخي‌ موضوع‌ را بررسي‌ مي‌كند، نه‌ از جنبه‌ اعتقادي. به‌ عبارت‌ ديگر؛ پژوهش‌ او با هدف‌ تهيهِ‌ تفسير مطلوبي‌ از چگونگي‌ يك‌ جامعهِ‌ مذهبي‌ كه‌ تحت‌ نظر جنبه‌هاي‌ اجتماعي‌ - سياسي، از اعتقاد به‌ مهدويت‌ حمايت‌ مي‌كند انجام‌ شده‌ است.

نويسنده‌ با تكيه‌ بر تعاليم‌ امامان‌ معصوم(ع)، كه‌ يكي‌ از مؤ‌لفه‌هاي‌ ايمان‌ را عقلي‌ دانسته‌اند كه‌ به‌ بصيرت‌ و معرفت‌ ديني‌ مي‌انجامد، اين‌ پژوهش‌ را به‌ پايان‌ برده‌ است. اين‌ روش‌ در آثار بزرگان‌ فقها و علماء شيعه‌ پيشينه‌ داشته‌ است. به‌ عنوان‌ مثال‌ مي‌توان‌ به‌ رساله‌ <مسئله‌الوجيزه‌ في‌الغيبه> اثر علي‌ بن‌ حسين‌ معروف‌ به‌ سيد مرتضي‌ (متوفي‌ 436 ه‌.ق) اشاره‌ كرد كه‌ با روش‌ استدلالي‌ درباره‌ طول‌ عمر امام‌ غايب(ع) به‌ بحث‌ پرداخته‌ است. اين‌ رسالهِ‌ ارزشمند كه‌ در سال‌ 1955 ميلادي‌ در بغداد به‌ چاپ‌ رسيده‌ توسط‌ خود ساشدينا به‌ زبان‌ انگليسي‌ ترجمه‌ شده‌ است.5

پيروزي‌ انقلاب‌ اسلامي‌ در ايران، علاقه‌ به‌ مطالعه‌هاي‌ مذهبي‌ را در ميان‌ جوانان‌ مسلمان‌ و معتقد در جهان‌ رشد داد تا نه‌ تنها جنبه‌هاي‌ اجتماعي‌ و رواني‌ مذهب‌ خود را در جوامع‌ غير مذهبي‌ غربي، مورد پژوهش‌ قرار دهند، بلكه‌ مذهب‌ خود را به‌ طور كلي‌با بينش‌ و شناخت‌ عميق‌ بررسي‌ كنند. اين‌ امر، باعث‌ شد كه‌ پژوهش‌هاي‌ مذهبي، كه‌ محوريت‌ آن‌ بر پايه‌ اعتقاد به‌ مهدويت‌ قرار دارد، وارد مرحله‌ جديدي‌ شود. تدوين‌ اين‌ اثر هم‌ زمان‌ با پيروزي‌ انقلاب‌ اسلامي‌ (1357) در مشهد مقدس‌ صورت‌ گرفته‌ است. در آن‌ زمان، نويسنده‌ براي‌ انجام‌ فرصت‌ مطالعاتي‌ و استفاده‌ از منابع‌ غني‌ و اصيل‌ اسلامي، در ايران‌ اقامت‌ داشته‌ و تحت‌ تأثير فضاي‌ معنوي‌ و شور و حال‌ ايمان‌ مذهبي‌ آن‌ قرار گرفته‌ است.

اين‌ اثر كتاب‌ نامهِ‌ نسبتاً جامعي‌ دارد كه‌ مآخذ آن‌ مي‌تواند دانشمندان، دانشجويان‌ و پژوهشگران‌ را در به‌ دست‌ آوردن‌ اطلاعات‌ بيشتر در زمينه‌ مطالعاتي‌ با موضوع‌ مهدويت، ياري‌ بخشد. هم‌ چنين‌ اين‌ اثر يك‌ واژه‌ نامهِ‌ فني‌ را به‌ همراه‌ دارد كه‌ مفاهيم‌ و اصطلاحات‌ فني‌ مرتبط‌ با مهدويت‌ را با تعريف‌ دقيق‌ آئيني، كلامي‌ و فقهي‌ آن‌ ارايه‌ مي‌دهد و خواننده‌ را از مراجعه‌ به‌ آثار متعدد و فرهنگ‌ نامه‌هاي‌ گوناگون‌ بي‌نياز مي‌سازد.

نويسنده‌ در ضميمهِ‌ اين‌ اثر، با نام‌ <ويژگي‌هاي‌ امام‌ و امامت>، باب‌هاي‌ كتاب‌ الحجه‌ كافي‌ را (بيش‌ از 130 باب) با يك‌ طبقه‌بندي‌ ابتكاري‌ و علمي، با آوردن‌ عناوين‌ اصلي‌ و فرعي‌ و رعايت‌ ترتيب‌ روايت‌ها آورده است. اين كار وي‌ انگيزه‌ مطالعه‌ عميق‌تر را تقويت‌ مي‌كند و مراجعه‌ به‌ منبع‌ اصلي‌ و به‌ علاوه‌ روايت‌ها را آسان‌ مي‌سازد.

در عين‌ حال، در اصل‌ پايان‌ نامه‌ دكتري‌ ساشدينا نكته‌هايي‌ ذكر شده‌ كه‌ قابل‌ تأمل‌ است‌ و نياز به‌ نقادي‌ دارد كه‌ در اين‌ جا به‌ بررسي‌ آن‌ مي‌پردازيم‌ (مأخذ شماره‌ 1):

ساشدينا اعتقاد دارد (صفحه‌ 137) انتصاب‌ ابوالقاسم‌ حسين‌ بن‌ روح‌ نوبختي‌ به‌ عنوان‌ سفير سوم‌ امام‌ دوازهم(ع)، <بايد زير نفوذ عضو برجستهِ‌ ديگري‌ از خاندان‌ نوبخت، با نام‌ ابوسهل‌ اسماعيل‌ بن‌ علي6، صورت‌ گرفته‌ باشد>. اين‌ نظر، محلي‌ از اعراب‌ ندارد؛ زيرا مدرك‌ زير ثابت‌ مي‌كند كه‌ ابن‌ روح‌ بيش‌تر به‌ دليل‌ شايستگي، وفاداري‌ و هوشياري، به‌ سفارت‌ ارتقاء يافته‌ است؛ عده‌اي‌ از اماميه‌ از ابوسهل‌ نوبختي، علت‌ اين‌ كه‌ وي‌ به‌ جاي‌ ابن‌ روح‌ به‌ سفارت‌ نرسيده‌ است‌ را جويا شدند و او پاسخ‌ داد:

<آنان‌ (امامان(ع) ) بهتر از هر كس‌ مي‌دانند كه‌ چه‌ كسي‌ را به‌ اين‌ سمت‌ برگزينند؛ من‌ آدمي‌ هستم‌ كه‌ با دشمنان‌ رفت‌ و آمد دارم‌ و با ايشان‌ به‌ بحث‌ مي‌نشينم. اگر آن‌ چه‌ را كه‌ ابوالقاسم‌ (ابن‌ روح) درباره‌ امام‌ مي‌داند، مي‌دانستم‌ شايد در حين‌ بحث‌ با دشمنان، مي‌كوشيدم‌ تا دلايلي‌ بنيادي‌ بر وجود امام، ارايه‌ دهم‌ و در نتيجه‌ جاي‌ اقامت‌ او را آشكار سازم، ولي‌ اگر ابوالقاسم‌ امام‌ را در زير جامهِ‌ خود نيز، پنهان‌ داشته‌ باشد، بدنش‌ را قطعه‌ قطعه‌ كنند تا او را نشان‌ دهد، هرگز چنين‌ نخواهد كرد>.7

ساشدينا در موضوع‌ تقسيم‌ بندي‌ غيبت‌ به‌ دو دوره‌ كوتاه‌ و طولاني، (صفحه‌ 125)، مي‌نويسد:

<اين‌ نكته‌ توجيه‌پذير است‌ كه‌ بگوييم، تقسيم‌ غيبت‌ به‌ كوتاه‌ و طولاني، ابداع‌ فقيهان‌ اماميه‌ است. در تأييد اين‌ تقسيم‌بندي، احاديث‌ يا ابداع، يا تفسير شده‌اند تا وضعيت‌ را آن‌ چنان‌ كه‌ ظاهر شده، با آن‌ تطبيق‌ دهند.>

نظر يه‌ ساشدينا از دقت‌ لازم‌ برخوردار نيست؛ زيرا اعتقاد به‌ دو غيبت، پس‌ از رحلت‌ سفير چهارم‌ (329 هجري‌ قمري) به‌ وجود نيامده، و توسط‌ نعماني‌ و عالماني‌ چون: صدوق، خزاز، مفيد (متوفي‌ 413 هجري‌ قمري) و طوسي‌ (متوفي‌ 460 هجري‌ قمري) كه‌ دنباله‌ رو او بودند، ابداع‌ نشده‌ است. آنان‌ تنها كاري‌ كه‌ كرده‌اند اين‌ است‌ كه‌ تطابق‌ بين‌ دو غيبت‌ امام‌ دوازدهم‌ و احاديثي‌ كه‌ اين‌ اتفاق‌ را پيش‌بيني‌ مي‌كند، تبيين‌ كرده‌اند.8 از نقطه‌ نظر تاريخي‌ اخبار زيادي‌ وجود دارد كه‌ نشان‌ مي‌دهد، احاديثي‌ كه‌ دربارهِ‌ غيبت‌ وجود دارند، قبل‌ از سال‌ 329 ه . ق، يعني‌ آغاز غيبت‌ كبري، توسط‌ اماميه‌ به‌ كار مي‌رفته‌ است. خوشبختانه، كليني، كه‌ در دوران‌ غيبت‌ صغري‌ مي‌زيست،‌ اين‌ احاديث‌ را در كتاب‌ كافي‌ آورده‌ است.

ساشدينا دربارهِ‌ كاربرد لقب‌ <مهدي> براي‌ امام‌ دوازدهم(ع)، معتقد است‌ كه‌ (صفحه‌ 83) <...مهدويت‌ امام‌ دوازدهم‌ اماميه، بسط‌ بعدي‌ نظريه‌ امامت‌ امام‌ غايب‌ بود كه‌ عقيدهِ‌ معروف‌ ظهور مهدي‌ و ايجاد عدالت‌ و مساوات‌ در جهان‌ را با غيبت‌ طولاني‌ امام‌ دوازدهم، تركيب‌ مي‌كرد>.

او، پس‌ از بررسي‌ كتاب‌هاي‌ زيارات، كه‌ جزو آثار علامه‌ مجلسي‌ در كتاب‌ بحارالانوار مي‌باشد، به‌ اين‌ نتيجه‌ رسيده‌ است. بنا به‌ گفتهِ‌ ساشدينا، قديمي‌ترين‌ اين‌ زيارات‌ به‌ سلسله‌ اسناد از شخص‌ امام‌ دوازدهم‌ و در پاسخ‌ نامه‌اي‌ كه‌ عبدالله‌ حميري‌ (متوفي‌ 290 هجري‌ قمري) به‌ محضر آن‌ حضرت‌ نوشته، روايت‌ مي‌شود. ساشدينا مي‌گويد: (صفحات‌ 87 - 86)

<من‌ متن‌ اين‌ زيارت‌ را به‌ دقت‌ بررسي‌ كردم؛ هيچ‌ ذكري‌ از عنوان‌ مهدي‌ ديده‌ نمي‌شود و توسط‌ پيامبر(ص)، امام‌ دوازدهم‌ به‌ عنوان‌ مهدي‌ موعود خطاب‌ نشده‌ است. اين‌ نخستين‌ زيارتي‌ است‌ كه‌ در اين‌ بخش‌ از كتاب‌ زيارات‌ ذكر شده‌ است>.

از نقطه‌ نظر تاريخي، در نظريه‌ ساشدينا چندين‌ نكته‌ وجود دارد كه‌ محل‌ تأمل‌ است.

نخست: بنابه‌ سخنان‌ منسوب‌ به‌ امام‌ باقر(ع) و امام‌ جواد(ع)، همه‌ امامان‌ عنوان‌ قائم‌ داشته‌اند؛ بدين‌ معنا كه‌ اجرا و اقامهِ‌ فرامين‌ الهي‌ به‌ آن‌ها سپرده‌ شده‌ است‌ (كلنا قائمون‌ بامرالله). به‌ علاوه‌ همگي‌ به‌ عنوان‌ مهدي‌ لقب‌ يافته‌اند؛ با اين‌ مفهوم‌ كه‌ وظيفه‌ ايشان‌ هدايت‌ مردم‌ به‌ سوي‌ دين‌ خدا بوده‌ است‌ (كلنا نهدي‌ الي‌ دين‌ الله)9. به‌ همين‌ دليل، در مي‌يابيم‌ كه‌ در كتاب‌هاي‌ مربوط‌ به‌ حج‌ يا زيارات، به‌ تمام‌ امامان، <الائمه‌ الراشدون‌ المهديون> گفته‌ مي‌شود.10 در نتيجه، امام‌ دوازدهم‌ نيز در اين‌ معنا عنوان‌ مهدي‌ را داشته‌ است، گرچه‌ اين‌ كلمه‌ معناي‌ كاملاً متفاوتي‌ از لقب‌ قائم‌ مهدي‌ كه‌ به‌ معني‌ موعود پيامبر(ص) كه‌ قيام‌ به‌ سيف‌ خواهد كرد، دارد.11

دوم: در آثار اماميه‌ بين‌ نشانه‌هاي‌ ظهور قائم‌ و اقدام‌هاي‌ او پس‌ از ظهور، رابطه‌ ويژه‌اي‌ وجود دارد كه‌ در برگيرندهِ‌ قيام‌ مهدي(ع) است. از اين‌ گونه‌ عبارت‌ها روشن‌ مي‌شود كه‌ امامان(ع) دو عنوان‌ را در مورد يك‌ شخص‌ به‌ كار مي‌برده‌اند؛ حديثي‌ منسوب‌ به‌ امام‌ صادق(ع)، يگانگي‌ بين‌ دو شخصيت‌ را آشكار مي‌سازد. يكي‌ از پيروان‌ آن‌ حضرت‌ به‌ نام‌ ابوسعيد خراساني‌ مي‌پرسد: <آيا مهدي‌ و قائم‌ يكي‌ هستند؟> حضرت‌ پاسخ‌ مي‌فرمايد: <بلي>.12

ساشدينا دربارهِ‌ نقدي‌ كه‌ يكي‌ از مراجع‌ ديني‌ بر بخش‌هايي‌ از اين‌ اثر او نوشته‌ پاسخ‌ جامع‌ و مفصلي‌ تهيه‌ كرده‌ است. اين‌ پاسخ‌ مبتني‌ بر روش‌شناسي‌ اثر (در 33 صفحه) و براي‌ نگارنده‌ فرستاده‌ شده‌ تا همراه‌ با ترجمهِ‌ اين‌ اثر - كه‌ اجازهِ‌ برگردان‌ آن‌ را صادر‌از نگارنده‌ درخواست‌ كرده‌ است،‌ اين‌ پاسخ، براي‌ درك‌ موقعيت‌ كتاب‌ ياد شده‌ و فهم‌ مطالب‌ آن‌ راه‌ گشاي‌ خوبي‌ به‌ شمار مي‌آيد.

ترجمهِ‌ اين‌ اثر به‌ زبان‌ فارسي، هم‌ مي‌تواند مورد استفاده‌ پژوهشگران‌ حوزه‌ و دانشگاه‌ قرار گيرد و هم‌ به‌ عنوان‌ يك‌ اثر علمي‌ در اين‌ مجامع‌ تدريس‌ شود و هم، براي‌ عموم‌ جامعه‌ كه‌ از سطح‌ تحصيلات‌ متوسط‌ به‌ بالا برخوردار باشند، مفيد افتد.

او خود دربارهِ‌ اثر دوم‌ با نام‌ <فرمانرواي‌ دادگر در تشيع: ولايت‌ مطلقه‌ فقيه‌ در فقه‌ اماميه> مي‌نويسد:

<... انديشهِ‌ پژوهش‌ در اين‌ مورد، زماني‌ به‌ ذهنم‌ خطور كرد كه‌ مشغول‌ نگارش‌ اثر قبلي‌ام‌ دربارهِ‌ منجي‌ اسلامي(2) در مشهد بودم‌ و آن، زماني‌ بود كه‌ انقلاب‌ اسلامي‌ ايران‌ به‌ اوج‌ خود مي‌رسيد (1357). در اين‌ شرايط‌ فرصت‌ ناچيزي‌ داشتم‌ كه‌ در بسياري‌ از بحث‌هاي‌ علمي‌ و عمومي‌ دربارهِ‌ موضوع‌ حكومت‌ اسلامي‌ و ولايت‌ فقيه‌ در دوران‌ غيبت‌ امام‌ دوازدهم(ع)، كه‌ بحث‌ روز بود، شركت‌ كنم. بنابراين، يك‌ طرح‌ پژوهشي‌ در موضوع‌ فرمانرواي‌ عادل‌ (السلطان‌ العادل) در شيعه‌ دوازده‌ امامي، نوشتم‌ و در سال‌ 1983 (63-1362) به‌ ايران‌ بازگشتم‌ تا با عالمان‌ دين‌ به‌ مباحثه‌ بپردازم‌ و از كتابخانه‌هاي‌ غني‌ آستان‌ قدس‌ رضوي‌ در مشهد و ديگر كتابخانه‌ها در قم، تهران‌ و مشهد بهره‌ جويم. سه‌ سال‌ پيش‌ از آن‌ بدين‌ نتيجه‌ رسيدم‌ كه‌ پژوهش‌ كتابخانه‌اي‌ در اين‌ موضوع، بي‌آن‌ كه‌ وارد مباحث‌ عمده، با فقيهان‌ اماميه‌ در ايران‌ شوم، ناقص‌ است. بدين‌ منظور، با بسياري‌ دانشمندان‌ و اساتيد دانشگاه‌هايي‌ كه‌ رشته‌هاي‌ معارف‌ اسلامي‌ و الهيات‌ دارند، مباحثه‌هايي‌ انجام‌ دادم. آن‌ چه‌ در اين‌ اثر مي‌آيد، يافته‌ تحليلي‌ اين‌ مباحث‌ را بازگو مي‌كند.>

اين‌ اثر از يك‌ مقدمه، شش‌ فصل، يك‌ ضميمه، يك‌ واژه‌ نامه‌ فني، يادداشت‌ها و كتابنامه‌ انتخابي‌ تشكيل‌ شده‌ است‌ و در 281 صفحه؛ با قلم‌ ريز و در قطع‌ وزيري‌ به‌ چاپ‌ رسيده‌ است. فصل‌هاي‌ كتاب‌ به‌ ترتيب‌ زير ارايه‌ شده‌اند:

1- نيابت‌ امامان‌ شيعه.

2- فقيهان‌ شيعه: رهبران‌ اماميه.

3- نظريهِ‌ امامت‌ دربارهِ‌ اقتدار سياسي.

4- نيابت‌ فقيهان‌ در ولايت‌ قضا.

5- ولايت‌ مطلقهِ‌ فقيه.

6- نتيجه‌گيري.

ضميمه: سهم‌ امام‌ و خمس‌ در دوران‌ غيبت.

اين‌ اثر، نظريهِ‌ سياسي‌ جانشيني‌ و نيابت‌ عام‌ امام‌ عصر(عج) در دوران‌ غيبت‌ كبري‌ را با شيوه‌اي‌ منقّح‌ و علمي‌ و با پژوهشي‌ دانشگاهي‌ كه‌ هم‌ محتواي‌ اصيل‌ آثار و آراي‌ فقيهان‌ را از آغاز غيبت‌ كبري‌ تا عصر حاضر مرور كرده، ارايه‌ مي‌دهد. تشكيل‌ دولت‌ اسلامي، با رهبري‌ آيت‌ الله‌ العظمي‌ امام‌ خميني(ره)، در پي‌ پيروزي‌ انقلاب‌ اسلامي‌ ايران‌ در سال‌ 1357، اوج‌ تفكر شيعي‌ را به‌ وجود حاكم‌ عادل‌ در دوران‌ غيبت، كه‌ از منابع‌ فقهي‌ و الهيات‌ كلاسيك‌ نشأت‌ مي‌گرفت، باز مي‌تاباند. اعتقاد به‌ ظهور حاكم‌ عادل‌ معصوم‌ و نجات‌ بخش‌ در آخرالزمان، شرايط‌ سياسي‌ و اجتماعي‌ و اعتقادهاي‌ شخصي‌ بعضي‌ از نخبگان، فقها را آماده‌ مي‌سازد تا مسئوليت‌ ناشي‌ از نقش‌ حاكم‌ عادل‌ را به‌ عهده‌ گيرند. اين‌ حركت‌ كه‌ بر پايهِ‌ نظريهِ‌ ولايت‌ فقيه‌ عادل‌ قرار دارد، به‌ بهترين‌ شكل، نظم‌ عمومي‌ و اجتماعي‌ را بر پايه‌ ارزش‌هاي‌ ديني‌ برقرار مي‌كند. ساشدينا با پژوهشي‌ فراگير در فقه‌ شيعه‌ و سني‌ و معارف‌ مذهبي‌ آنان‌ به‌ بررسي‌ آثار هر دو مذهب‌ در كتابخانه‌هاي‌ اردن‌ و ايران‌ مي‌پردازد و با دانشمندان‌ و فقهاي‌ مطرح‌ و رهبري‌ كنندهِ‌ هر دو جامعه، به‌ بحث‌ مي‌نشيند و اهميت‌ بنيادگرايي‌ اسلامي‌ مدرن، احياگري‌ دين‌ و بازتاب‌ آن‌ را در مفهوم‌ ايراني‌ آن‌ شرح‌ مي‌دهد. او نگاهي‌ كم‌نظير به‌ آثار فكري‌ و كاربردي‌ فقه‌ اسلامي‌ مي‌افكند و ارتباط‌ آن‌ را با مفهوم‌ اجتماعي‌ - سياسي‌ جامعه‌ اسلامي‌ مطرح‌ مي‌سازد.

اين‌ اثر، جامع‌ترين‌ تحليل‌ بر يك‌ پديده‌ اسلامي‌ كه‌ از اهميت‌ حياتي‌ در زمينه‌ سياسي‌ - اجتماعي،در جهان‌ معاصر برخوردار است، را تهيه‌ و مباني‌ ولايت‌ فقيه‌ را در آثار فقهاء شيعه‌ مطرح‌ ساخته‌ و گستره‌ و چگونگي‌ تكوين‌ آن‌ را بررسي‌ مي‌كند. اين‌ اثر مي‌تواند براي‌ طلاب‌ علوم‌ ديني، دانشجويان‌ الهيات، علوم‌ سياسي، تاريخ، سياست‌ خاورميانه‌ و مطالعات‌ اسلامي‌ و پژوهشگران‌ حوزه‌ و دانشگاهي‌ هم‌ به‌ عنوان‌ كتاب‌ درسي‌ و هم‌ كتاب‌ مرجع‌ مطرح‌ باشد، علاوه‌ بر آن‌ كه‌ براي‌ عموم‌ جامعه‌ كه‌ از سطح‌ دانش‌ متوسط‌ به‌ بالايي‌ برخوردارند، مفيد واقع‌ گردد.

گرچه‌ اين‌ اثر ادعاي‌ جامعيت‌ دارد، ولي‌ از برخي‌ نظريه‌هاي‌ فعال‌ در ولايت‌ مطلقه‌ فقيه‌ كه‌ در اوايل‌ قرن‌ چهاردهم‌ هجري‌ مطرح‌ شد و به‌ تشكيل‌ حكومت‌ اسلامي‌ در برهه‌اي‌ از زمان‌ و مكان‌ انجاميد، غفلت‌ ورزيده‌ است13. اين‌ موضوع‌ را با نويسنده‌ حضوري‌ در ميان‌ گذاشتم‌ و خود آن‌ را پذيرفت‌ كه‌ اين‌ مطلب‌ را در تكميل‌ بررسي‌هاي‌ او، در ترجمه‌ فارسي‌ اين‌ اثر مي‌توان‌ بر آن‌ افزود.

حامد آلگار، استاد دانشگاه‌ كاليفرنياي‌ آمريكا درباره‌ اين‌ كتاب‌ مي‌نويسد:

<مسألهِ‌ ولايت‌ سياسي‌ و فقهي‌ در دوره‌ غيبت‌ امام‌ دوازدهم(ع) از اهميت‌ محوري‌ در تشيع‌ برخوردار است. اين‌ اثر در موضوع‌ ياد شده، ديدي‌ گسترده‌ و فقهي‌ دارد كه‌ بر پايهِ‌ نقادي‌ آگاهانه‌ و موشكافانه‌ از منابع‌ اصلي‌ استوار است‌ و نقش‌ عمده‌اي‌ را در مطالعات‌ شيعي‌ ايفا مي‌كند>.

فضل‌ الرحمن، استاد دانشگاه‌ شيكاگو مي‌نويسد:

<اين‌ اثر به‌ وضوح‌ و سادگي‌ بسط‌هاي‌ پيچيده‌ در فقه‌ سياسي‌ شيعه‌ را از آغاز تا عصر حاضر تفسير مي‌كند كه‌ به‌ فهم‌ روشني‌ از موقعيت‌ معاصر ايران‌ مي‌انجامد و عطيه‌اي‌ است‌ كه‌ موضوع‌ ولايت‌ سياسي‌ را به‌ روشني‌ روز در شيعه‌ مطرح‌ مي‌سازد و به‌ آگاهي‌ دانشجويان‌ مي‌انجامد.>

دكتر ساشدينا سال‌هاست‌ كه‌ به‌ درجهِ‌ استادي‌ در بخش‌ مطالعات‌ مذهبي‌ ارتقاء يافته‌ و در دانشگاه‌هاي‌ كانادا و آمريكا تدريس‌ و تحقيق‌ مي‌كند. وي‌ اين‌ دو اثر را در حالي‌ كه‌ سمت‌ استادي‌ مطالعات‌ مذهبي‌ دانشگاه‌ ويرجيناي‌ آمريكا را به‌ عهده‌ داشت، منتشر ساخته‌ است.

گرچه‌ همانند هر اثر علمي‌ ديگر، آثار او از نقد علمي‌ مبرّا نيست، ولي‌ تلاش‌ و خدمت‌ اين‌ دانشمند شيعي‌ در ارايهِ‌ اين‌ آثار ارزشمند، كه‌ ترجمه‌ آن‌ها مي‌تواند براي‌ فارسي‌ زبانان‌ مفيد باشد،‌ شايسته‌ تقدير است.

در پايان، بايد به‌ پيشگاه‌ مقدس‌ حضرت‌ ولي‌ عصر(عج) عذر تقصير آورد و سخن‌ استاد سخن‌ سعدي‌ شيرازي‌ را دربارهِ‌ خداي‌ بزرگ‌ كه‌ آيينهِ‌ تمام‌ نماي‌ او،‌ حضرت‌ مهدي(عج) را نيز سزاست، زمزمه‌ كرد و در مطالعه‌ اين‌ آثار هم‌ مد نظر داشت:

اي‌ برتر از خيال‌ و گمان‌ و قياس‌ و وهم‌ از هر چه‌ گفته‌اند و شنيديم‌ و خوانده‌ايم‌

مجلس‌ تمام‌ گشت‌ و به‌ آخر رسيد عمر ما همچنان‌ در اول‌ وصف‌ تو مانده‌ايم‌

1. دكتر سيد محمدتقي آيت‌اللّهي در سال 1331 شمسي در يك خانواده اصيل روحاني در شيراز چشم به جهان گشود. نَسَب ايشان به برادر گرامي حضرت امام رضا(ع) امام‌زادهِ مكرم و جليل القدر <حمزه> كه مرقدش در شهر ري قرار دارد مي‌رسد.

او تحصيلا‌ت ابتدائي و متوسط و دوره‌هاي كارشناسي آمار رياضي و كارشناسي ارشد آمار زيستي را در شيراز سپري كرد و با درجه ممتاز فارغ‌التحصيل دانشگاه شيراز شد.

دوره دكتراي آمار زيستي را در آمريكا و دوره تحقيقاتي را در آلمان طي كرد و سپس در سال 1361 به عضويت هيئت علمي گروه بهداشتي دانشگاه شيراز در آمد و بعد با ادامه تحصيل در دانشگاه لندن در سال 1370 با درجه ممتاز و ارائه پايان نامه‌اي در مدلسازي رشد انسان فارغ التحصيل گرديد. و سپس دورهِ فوق دكتري را به مدت سه سال در دانشگاه نيوكاسل انگلستان طي نمود و پس از بازگشت دوره دكتراي آماز زيستي را تأسيس نمود.

نامبرده داراي مسئوليت‌هاي متعددي در سطح دانشگاهي بوده و نيز موفق به كسب افتخاراتي علمي در سطح بين‌ا‌لمللي شده است.

از آقاي دكتر آيت‌اللهي در مجامع علمي طرح‌هاي تحقيقاتي متعددي ارائه گرديده است و تا كنون 16 جلد كتاب به صورت تأليف، تحقيق و يا ترجمهِ متون منتشر شده است. ايشان به تاريخ تشيع و ائمه معصومين(ع) و به ويژه موضوع مهدويت علا‌قه وافري دارد ترجمه تاريخ سياسي غيبت امام دوازدهم اثر جاسم حسين كه تا كنون دو بار به چاپ رسيده كار اوست و اخيراً به درخواست دكتر ساشادينا آثار دانشگاهي او را در مهدويت و نقش فقهاء در دوران غيبت كبري با نقادي علمي ترجمه مي‌كند. او به زبانهاي انگليسي ، عربي و آلماني آشنايي كامل دارد.

------------------

پي نوشت ها:

2. Sachedina AA(9791): The Doctorine of

Ph.D.Thesis/University of Toronto, "Mahdism in Imami Shiism

3. Sachedina AA(1891): Islamic Messianism: The Idea of the Mahdi in Twelver Shiism . New york: State , Canada.

4. Sachedina AA (8891): The Just Ruler in Shiite Islam . The Comprehensive Authority of the Jurist in

University Of New York Press.Imamate Jurisprudence. New York: Oxford University Press.

5. 24 1-109 :98 Sachedina AA (8791): A treatise on Occultation Of the twelfth Imamite Imam, Studia Islamica,

6. از رهبران‌اماميه‌كه‌در روزهاي‌آخر عمر سفير دوم‌براي‌تعيين‌ابوالقاسم‌به‌سفارت، حضور داشت.

7. طوسي، محمدبن‌حسن، الغيبه، ص‌255، تبريز، 1322 هجري‌قمري.

8. همان، ص‌110.

9. الكافي، ج‌1، ص‌307 و 536؛ كمال، ص‌263؛ الاحتجاج، طبرسي، ج‌2، ص‌249-250؛ اثبات، ص‌ 178-179.

10. من‌لايحضره‌الفقيه، صدوق، ج‌2، ص‌371؛ التهذيب، طوسي، ج‌6، ص‌114؛ الغيبه، نعماني، ص‌45.

11. بصائرالدرجات، محمد حسن‌صفار (متوفي‌290 هجري‌قمري)، كتابخانه‌مركزي دانشگاه‌تهران،‌كتاب‌خطي‌شماره‌657، پاورقي‌50 الف؛ الكافي، ج‌1، ص‌243.

12. الغيبه، محمدبن‌حسن، طوسي، ص‌296، نجف‌اشرف، 1965 م‌.

13. آيت‌اللهي، سيد محمدتقي، ولايت‌فقيه، زيربناي‌فكري‌مشروطه‌مشروعه، سيري‌در آثار و افكار سيدعبدالحسين‌لاري، تهران: انتشارات‌اميركبير، 1363.